



Dual Strategies of the Iranian Army in the Face of Iraqi Threats (1979-1980)

Seyed Mohammad Kazem Sajjadpour¹ , Mohammad Ali Ghahremanpoor² 

1. Professor, Department of International Relations, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran (smksajjad@yahoo.com)
2. Ph.D. Candidate in Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (maghahreman@yahoo.com)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 21 July 2024
Received in revised form:
23 September 2024
Accepted: 1 October 2024
Published online: 17
February 2025

Keywords:

Army,
war,
military conflict and
diplomacy,
borders.

ABSTRACT

This article addresses the question of how the Iranian Army, despite facing numerous challenges following the Islamic Revolution, developed strategies to counter the threat of an Iraqi invasion. This question is particularly relevant given that much existing research focuses on the element of surprise in the subsequent Iran-Iraq War (often referred to as the "Sacred Defense"), implying a lack of preparedness on the part of the Iranian Army in the two years preceding the conflict. This prevailing assumption has influenced many studies.

Based on newly discovered documents from the Iranian Army archives, this research concludes that the Army of the Islamic Republic of Iran, while closely monitoring Iraqi military movements, pursued a dual strategy. On the one hand, it urged Iranian authorities to pursue negotiations with Iraq. On the other hand, it simultaneously strengthened its defensive capabilities in preparation for potential Iraqi attacks.

This second strategy—strengthening defensive capabilities—became the Army's primary plan of action following the Paveh conflict in August 1979 and was actively pursued until September 1980.

Cite this article: Sajjadpour, S M.K. & Ghahremanpoor, M.A. (2024). Dual Strategies of the Iranian Army in the Face of Iraqi Threats (1979-1980). *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 57 (1), 109-130. DOI: 10.22059/jhic.2024.379710.654502



دو راهبرد ارتش جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با عراق (۵۹-۱۳۵۷ ش.)

سید محمد کاظم سجادیپور^۱، محمدعلی قهرمانپور^۲

۱. استاد، رشته روابط بین الملل، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران، رایانامه: smksajjad@yahoo.com
 ۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری رشته ایران شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، رایانامه: maghahreman@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹</p> <p>کلید واژه‌ها: ارتش، برخورد نظامی و دیپلماسی، جنگ</p>	<p>پژوهش حاضر با عنوان دو راهبرد ارتش جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با عراق (۵۹-۱۳۵۷ ش.) درصدد پاسخ به این پرسش است که با وجود ایجاد مشکلات فراوان دشمنان داخلی و خارجی برای ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این نهاد به مثابه مهم‌ترین نیروی نظامی کشور، چه راهبردهایی برای مقابله با خطر تهاجم عراق در پیش گرفت؟ این پرسش، به‌ویژه از این حیث در خور توجه است که در بسیاری از پژوهش‌ها درباره دفاع مقدس از غافل‌گیری و متعاقب آن، نبود برنامه در ارتش برای مقابله با عراق در دو سال منتهی به جنگ تحمیلی سخن رفته است؛ به‌سخنی دیگر، کلان‌گزاره نادرست مذکور بر بیشتر پژوهش‌ها سایه انداخته است. در پاسخ به پرسش یادشده، با بهره‌مندی از اسناد تازه‌یاب بایگانی‌های راکد ارتش و در قالب روش توصیف تاریخی، به این نتیجه دست یافتیم که ارتش جمهوری اسلامی ایران ضمن ادامه رصد دقیق تحرکات نیروهای مسلح عراق، از یک سو تلاش برای اقناع مقامات مسئول کشور به شروع مذاکرات سیاسی با عراق با هدف حل و فصل اختلافات بر محور دغدغه‌های مشترک امنیتی را در دستور کار قرار داد؛ اما در همان حال، راهبرد دوم خود را نیز به‌تدریج پیش می‌برد که عبارت بود از تقویت توان رزمی به‌منظور دفع تجاوزات نیروهای مسلح رژیم بعث حاکم بر عراق به خاک ایران و پاسخ نظامی. این راهبرد، پس از غائله پاره در مردادماه ۱۳۵۸ ش. به برنامه اصلی ارتش تبدیل و تا شهریورماه ۱۳۵۹ ش. و آغاز حمله سراسری عراق با جدیت دنبال شد.</p>
<p>استناد: سجادیپور، سید محمد کاظم و قهرمانپور، محمدعلی (۱۴۰۳). دو راهبرد ارتش جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با عراق (۵۹-۱۳۵۷ ش.). پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۷(۱)، ۱۰۹-۱۳۰. DOI: 10.22059/jhic.2024.379710.654502</p> <p>نشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان. DOI: 10.22059/jhic.2024.379710.654502</p>	

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی، شرایط دشواری را برای نیروهای مسلح کشور به وجود آورد؛ به گونه‌ای که ارتش را تا آستانه انحلال پیش برد، اما با حمایت قاطع بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران (ره)^۱ این نهاد حافظ امنیت کشور به حیات خود ادامه داد. هرچند، رخدادهای گوناگون توان عملیاتی آن را، به مثابه خط اول مقابله با تهدیدات خارجی، به شدت تحلیل برد. در چنین شرایطی عراق با استفاده از فرصت، تجاوزات مرزی خود را آغاز کرد و روزبه‌روز هم بر دامنه آن افزود. با وجود این و برخلاف تصور اولیه، ارتش در برابر همسایه غربی در جایگاه جدی‌ترین تهدید علیه تمامیت ارضی کشور، نه تنها در موضع انفعال قرار نگرفت که با طراحی راهبردهای تازه تلاش کرد تا به حراست از مرزهای ایران ادامه دهد. با توجه به این مسئله، مقاله حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که در فاصله فروپاشی «رژیم پیشین»^۲ و آغاز تهاجم سراسری عراق به ایران در سی‌ویکم شهریورماه ۱۳۵۹ ش. ارتش برای مقابله با خطر رژیم بعثی حاکم بر عراق، چه راهبردهایی در پیش گرفت؟

به طور کلی در یک پژوهش تاریخی، مبانی نظری به دو بخش تقسیم می‌شود: چارچوب نظری و چارچوب مفهومی. این پژوهش از نوع توصیف عمیق تاریخی و در تلاش برای تولید داده‌های تازه، به مثابه گزاره‌هایی مستخرج از واقعیت‌های موجود در عالم خارج، با تکیه بر اسناد تازه‌یاب است؛ به سبب دیگر، نگارندگان مهم‌ترین وظیفه پژوهش تاریخی را توصیف عمیق و گسترده گذشته و بیان چگونگی وقوع رخدادهای تاریخی می‌دانند؛ نه چرایی وقوع آنها. هرچند، توصیف نیز به طور کامل از تحلیل جدا نیست و تا حدی به مسئله چرایی هم پرداخته می‌شود. با این توضیح مختصر و از آنجاکه حجم داده‌های جدید بسیار زیاد است، نویسندگان به حوزه نظریه‌آزمایی / نظریه‌پردازی وارد نشدند؛ بنابراین پژوهش حاضر بدون چارچوب نظری است.^۳

۱. برای اطلاع بیشتر درباره حمایت امام خمینی (ره) از ارتش جمهوری اسلامی ایران نک: مرنیدی، مهدی. (۱۳۸۲). *ارتش از دیدگاه امام*

خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲. اصطلاح رژیم پیشین از بساخته‌های الکسی دو توکویل، اندیشمند مشهور فرانسوی در قرن نوزدهم است که آن را با هدف ایجاد تمایز میان دو نظام پیش و پس از وقوع انقلاب ابداع کرد. برای اطلاع بیشتر در این باره نک: توکویل، الکسی دو. (۱۴۰۰). *انقلاب فرانسه و*

رژیم پیش از آن. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.

۳. برای اطلاع از «وظیفه رسته‌ای» دانش تاریخ، نک: حضرتی، حسن (۱۴۰۱) «در باب مهم‌ترین وظیفه رسته‌ای مورخان». در مورخان و امر قدسی، به کوشش فاطمه بختیاری، ۷۷-۹۷. حضرتی کتاب دیگری هم دارد که مهم‌ترین اثر موجود به زبان فارسی درباره روش‌شناسی پژوهش تاریخی محسوب می‌شود؛ از این رو نگارندگان مقاله حاضر نیز اساس بحث خود را در این زمینه از آن وام گرفته‌اند. برای اطلاع بیشتر در این باره، نک: حضرتی، حسن (۱۳۹۷). روش پژوهش در تاریخ‌شناسی. قم: لوگوس.

درباره مناسبات ایران و عراق، منابع و مآخذ زیادی به زبان‌های گوناگون چون فارسی، عربی، انگلیسی، کردی، ترکی و حتی روسی - البته بسیاری از زبان‌های دیگر هم - وجود دارد. قابل توجه است که آثار مذکور حتی گونه‌هایی چون مواد صوتی و تصویری را نیز در بر می‌گیرند. این آثار هم پیش از انقلاب اسلامی و هم بعد از آن تولید شده‌اند و طبیعی است که چنان نقطه‌عطفی تاثیر فراوانی بر پژوهش‌های این حوزه هم داشته باشد؛ اما صرف نظر از منابع دست اول، از قبیل اسناد و مدارک، در یک نگاه کلی می‌توان گفت که عمده پژوهش‌های مربوط به تاریخ روابط ایران و عراق حول دو موضوع قرار دارند: جنگ تحمیلی و شخصیت‌های موثر در روابط طرفین مانند صدام حسین.

با وجود مسئله فوق، حتی در همین دو محور نیز مسائل و موضوعات مغفول فراوانی وجود دارند و از سوی دیگر، با انبوهی از کلان‌گزاره‌های نادرست روبه‌رو هستیم؛ برای نمونه مدعای این پژوهش، وجود راهبردهایی از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با عراق در حد فاصل پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع جنگ تحمیلی را باید از جمله موضوعاتی دانست که در پژوهش‌های صورت گرفته درباره تاریخ روابط دو کشور، به صورت مستقل بررسی نشده است؛ به‌سختی دیگر، در عموم پژوهش‌های صورت گرفته درباره زمینه‌های وقوع جنگ تحمیلی، تنها به مشکلات و چالش‌های نیروهای مسلح ایران - به‌طور خاص ارتش جمهوری اسلامی ایران - پرداخته شده است. اما این مقدمه درست، به بیان دانش منطق، تالی فاسدی دارد؛ ارتش جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ای برای مقابله با دشمن نداشت، البته این نتیجه نادرست را کلان‌گزاره غلط دیگری هم تقویت می‌کند؛ غافل‌گیری ارتش جمهوری اسلامی ایران در مقابل حمله عراق. برای نمونه، اکبر هاشمی رفسنجانی در یکی از آثار خود این پرسش را پیش می‌کشد «چرا نیروهای نظامی و امنیتی ایران ... قادر به پیش‌بینی قطعی تجاوز صدام و پیش‌گیری از آن نشدند؟» (هاشمی رفسنجانی: ۱۳۹۶: ۲۲۶). این پرسش، به‌ویژه از این حیث قابل توجه است که او سال ۱۳۵۹ ش. نه یک شهروند عادی که رییس مجلس شورای اسلامی بوده است. در موردی دیگر محمد درودیان، پژوهشگر حوزه دفاع مقدس، به‌دفعات از «حمله غافل‌گیرانه عراق» و حتی از نبود اسنادی سخن گفته است که «تا قبل از شهریور ۱۳۵۹» نشان‌دهنده پیش‌بینی «احتمال وقوع جنگ» و در نتیجه «غافل‌گیر نشدن ارتش» باشند (درودیان، تارنمای شخصی نویسنده، ۱۳۹۸). در همین زمینه، باید از حسین علایی نیز یاد کرد که در مقام پژوهشگر تاریخ دفاع مقدس، موضوع غافل‌گیری ارتش را تکرار کرده و حتی فصلی از یک کتاب خود را «غافل‌گیری» نامیده است (علایی: ۱۳۹۱: ۱۸۶/۱-۱۸۳).^۱

درباره شیوه‌های استفاده از اسناد در پژوهش‌های مربوط به حوزه روابط بین‌الملل، از این مقاله نیز بهره گرفته شد:

قربانی، مژگان (۱۴۰۱) کاربست روش تاریخی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل. *مجله پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. ۴۶ (۱۲): ۷-۳۸.

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره، نک: سجادیپور، سیدمحمدکاظم و قهرمانپور، محمدعلی. (۱۴۰۲). برآوردهای اطلاعاتی ارتش جمهوری

به هر روی، با بهره‌گیری از اسناد تازه‌یاب بایگانی‌های راکد ارتش جمهوری اسلامی ایران، بازه زمانی مهم پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع جنگ تحمیلی را از حیث مناسبات نظامی ایران و عراق می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان غائله پاره در مردادماه ۱۳۵۸ ش. و از این مقطع تا شروع جنگ تحمیلی در شهریورماه ۱۳۵۹ ش. که در ادامه، هر یک از این دو مقطع به تفصیل بررسی می‌شوند.

مذاکره و تلاش برای تقویت توان رزمی

رژیم بعثی حاکم بر عراق، فروپاشی رژیم پیشین را در ایران فرصتی مناسب برای از سرگیری دعاوی مرزی خود دید و از همان روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب مرزی تعرضات مرزی خود را آغاز کرد. از سوی دیگر، پس از چند سال که «مسئله کرد» اهمیت خود را در مناسبات طرفین کم‌وبیش از دست داده بود، با آغاز شورش‌های مسلحانه برخی گروه‌های کرد ایرانی در مناطق غربی کشور و هم‌زمانی آن با شدت گرفتن برخوردهای نظامی کردهای عراقی با دولت مرکزی آن کشور، بار دیگر موقعیت و جایگاه کردها در روابط تهران - بغداد حایز اهمیت شد.^۱

با توجه به درگیری سخت نیروهای مسلح ایران با کردهای شورشی از اسفندماه ۱۳۵۷ ش. پیشنهاد ارتش به مقامات عالی‌رتبه کشور برای مقابله با این اوضاع و احوال بسیار تأمل برانگیز بود: «تماس‌های مستقیم با سازمان‌های اطلاعاتی ارتش عراق به منظور جلوگیری از گسترش دامنه فعالیت‌های نفوذی اکراد به خاک دو کشور». (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱). عراق نیز به انجام چنین همکاری‌هایی تمایل داشت، همان‌گونه که نیمه فروردین ماه، پس از انجام چند پرواز اکتشافی از سوی جنگنده‌های عراقی در مقابل مرز سردشت، طرف عراقی خواهان انجام چنان «پروازهای اکتشافی در مرز» از سوی نیروی هوایی ایران شد. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۳). با وجود چنین زمینه مساعدی برای همکاری، عراق از تقویت نیروهای گریز از مرکز ایرانی در مناطق کردنشین و عرب‌نشین غافل نبود، به‌ویژه «سران حزب دموکرات کردستان» ایران با حزب بعث عراق در ارتباط بودند و حتی خانواده‌های آنان همچنان در عراق اقامت داشتند. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۹). دولت عراق حتی فرودگاهی را در نزدیکی روستای زلم به سپهبد عزیزالله پالیزبان، رییس اسبق اداره دوم ارتش و از جمله عوامل سرشناس تحرکات علیه حاکمیت جدید ایران، اختصاص داده بود تا وی با استفاده از هلی‌کوپترها

اسلامی ایران از تحرکات نظامی عراق (۵۹ - ۱۳۵۷ ش.). فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۹ (۳)، ۴۸-۲۹.
۱. برای گزارشی موجز از بحران کردستان در سال‌های ۱۳۵۷ ش. به بعد، نک: احمدی، حمید. (۱۳۹۹). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت؟ تهران: نی.

به بغداد رفت و آمد کند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۲۰). پالیزبان، سال‌ها بعد و در کتاب خاطرات خود، اتهام همکاری با عراق را رد کرد، اما با توجه به حجم بالای گزارش‌های اطلاعاتی رسیده به ارتش علیه وی به نظر نمی‌توان به راحتی ادعای او را پذیرفت.^۱

در همین روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عراق پادگانی آموزشی در استان کوت، هم‌مرز با خوزستان نیز تشکیل داده بود. با توجه به سابقه عراق در «تعلیم و تربیت متواریان ایرانی، به‌ویژه [افراد] عرب‌زبان» برای انجام خرابکاری در ایران، ارتش معتقد بود در شرایط «عدم کنترل مرز ... به‌ویژه در مناطق هورالعظیم و [با توجه به] اختلاف مرزی»، عراق از این پادگان برای آموزش چریکی به ایرانیان هوادار خود به منظور «نفوذ به منطقه خوزستان و شناسایی کامل مناطق مرزی ایران» استفاده می‌کند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۲۰). به هر روی، در شرایطی که پاسگاه‌های مرزی عموماً تخلیه شده بودند و کنترل مرزها در وضعیت نامناسبی قرار داشت، تجاوزات مرزی عراق همچنان ادامه داشت؛ برای نمونه، اوایل اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ ش. چند گلوله از داخل خاک عراق به یکی دو روستای حومه نوسود شلیک می‌شود که خسارات قابل توجهی هم به بار می‌آورد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۳۷). ارتش با نوعی صبر راهبردی، احتمال غیرعمدی بودن این حادثه را به سبب تلاش دولت عراق برای سرکوب شورشیان کرد خود مطرح کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۳۹، ۱۳۵۸/۲/۱۹). در همان حال، باور داشت انتشار اخباری دال بر کمک ایران به کردهای شورشی عراق، با هدف «مشوب کردن اذهان مقامات عراقی» نسبت به ایران به منظور کارشکنی در «برقراری حسن روابط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق» بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۴۲). در این میان، اول خردادماه ۱۳۵۸ ش. اتفاقی مهم و تأمل‌برانگیزی روی داد که نشان از نوعی روابط محدود میان طرفین بود؛ ایران به پنج فروند هلی‌کوپتر عراقی اجازه عبور از آسمان ایران و حرکت به سوی شوروی از مسیر تبریز را می‌دهد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۵۲). به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی، هنوز زمینه همکاری میان ایران و عراق کامل از بین نرفته بود.

یکی دیگر از زمینه‌هایی که پس از انقلاب اسلامی، می‌توانست تهران و بغداد را به یکدیگر نزدیک کند، سیاست خارجی ضداسرائیلی هر دو کشور بود. این مسئله از چشم ارتش دور نماند؛ زیرا ممکن بود بر کاهش تنش‌های مرزی تاثیر داشته باشد. در حقیقت، در شرایط آشفته بعد از انقلاب اسلامی، ارتش گاه ناچار از ورود به حوزه‌هایی می‌شد که جزء وظایف سازمانی‌اش هم نبود؛ مانند سیاست خارجی. اما در عین

۱. پالیزبان، عزیزالله. (۲۰۰۳). *خاطرات سپهبد عزیزالله پالیزبان*. لس‌آنجلس: مرکز کتاب نارنجستان. گفتنی است خاطرات پالیزبان بسیار پراکنده و بدون انسجام تدوین شده است و همین فهم نوشته‌های او را دیرباب می‌کند، به‌ویژه درباره موضوعات مختلف در بخش‌های گوناگون کتاب سخن گفته است.

حال، گریزی نیز از آنها وجود نداشت. در همین راستا، اوایل خردادماه ۱۳۵۸ ش. ارتش اظهارات ضد صهیونیستی سعدون حمادی، وزیر امور خارجه وقت عراق را بسیار مهم دانست و حتی تحلیل خود را برای شهید مصطفی چمران، معاون وقت نخست‌وزیر در امور انقلاب، نیز ارسال کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۵۳).

در این مقطع، مناطق عربی‌نشین خوزستان شاهد فعالیت‌های گسترده جرج حبش، رهبر گروه مارکسیستی جبهه خلق برای آزادی فلسطین نیز بود. به باور ارتش، رژیم بعث عراق پشت تحرکات حبش قرار داشت و این راهبرد ادامه «تحرکات گذشته» عراق میان «عرب‌زبان جنوب» بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۵۳). یکی از نتایج مهم این فعل‌وانفعالات نیز نامنی بیش از پیش مرزها بود. چند روز بعد و به دنبال انتشار شایعات گسترده درباره حمله قریب‌الوقوع برخی از ساکنان عرب‌زبان آبادان و جزیره مینو به تأسیسات نظامی، ارتش، بار دیگر بر ضرورت کنترل بیش از پیش «ترددهای مرزی» تأکید کرد و هشدار داد غفلت از این مسئله، نتایج ناگواری به بار خواهد آورد، به‌ویژه دست «خارجی» در بحران‌سازی نیز هویدا بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۵۹). با وجود این، ارتش نگران ناتوانی دولت عراق در سرکوب کردهای شورشی خود نیز بود؛ زیرا اثرهای این موضوع به تدریج در «سایر مناطق کردنشین» نیز آشکار می‌شد. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۶۰). بدیهی به نظر می‌رسد که نگرانی عمده ارتش از ناآرامی‌های رو به‌تزايد مناطق کردنشین ایران بود تا جایی که این دغدغه را به نخست‌وزیری نیز منتقل کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۶۰).

در این اوضاع و احوال، رفته‌رفته حمایت عراق از تحرکات سپهد عزیزالله پالیزبان نیز وضوح بیشتری می‌یافت. پالیزبان، ستاد عملیاتی خود را در «شهرستان کلار از استان دیاله عراق» مستقر کرده و مورد پشتیبانی همه جانبه «دولت و رکن ۲ ارتش عراق» بود. برای غلبه بر این چالش ارتش از یک سو، «شدت عمل در مقابله با گروه‌های متشکله ضدانقلابی داخل کشور» و از سوی دیگر، «مذاکرات جدی تا حد اتمام حجت با دولت عراق» را پیشنهاد می‌داد تا پالیزبان از عراق «اخراج» گردد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۶۱). ارتش با اشاره به حضور «افسران استخبارات عراق» در مناطق کردنشین ایران و تماس با اعضاء حزب دموکرات کردستان ایران به این نکته اشاره کرد که عراق به دنبال «دخالت‌های غیرقانونی» در نواحی کردنشین ایران «حتی سایر مناطق جنوبی کشور» بود تا بتواند در آینده برای رسیدن به مقاصد خود از این قبیل تحرکات بهره‌برداری کند. بار دیگر و در کنار «تقویت نیروهای مستقر در نوار مرزی»، ارتش از مقامات عالی‌رتبه کشور درخواست می‌کرد تا «باب مذاکره» را با عراق باز کنند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۶۱). اگرچه، تماس میان مرزبانان دو کشور همچنان برقرار بود؛ برای نمونه، پس از تیراندازی با سلاح‌های سنگین به اطراف نوسود از داخل خاک عراق، مرزبانان طرفین

برای بررسی مسئله، جلسه مشترک ترتیب دادند و طرف عراقی علت تیراندازی را حضور نیروهای طالبانی و بارزانی در خاک ایران دانست (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۶۸).

در سرتاسر بهار ۱۳۵۸ ش. قاچاق سلاح به داخل ایران در سرتاسر نوار مرزی با عراق، حتی در مرزهای آبی پیوسته جریان داشت و بر نامنی در مناطق مرزی، حتی شهرهای غرب و جنوب غربی کشور دامن می‌زد. در این مناطق که به تعبیر ارتش «امیال دیرینه رژیم عراق برای دستیابی» متوجه آنها بود، نیروهای ارتش عراق جایگزین نفرات «پاسگاه‌های پلیس مرزی» شده بودند. با توجه به این قبیل حوادث، ایران چاره‌ای جز تقویت پاسگاه‌های مرزی خود با «عناصر زرهی» نداشت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۶۸). به‌سختی دیگر، با وجود دشواری‌های فروان، ارتش ناامید نبود و «اتخاذ موضع قوی از طرف دولت ... با تکیه به بیگان‌های تقویت‌شده و منظم ارتشی در طول مرزها» را راهگشا می‌دانست؛ زیرا عراق را از به‌کارگیری «احتیاط» در «تشدید اختلافات خود با ایران» ناچار می‌ساخت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۶۸). به باور ارتش، «به‌وجود آوردن یک نیروی بازدارنده» در طول مرزهای غربی و نیز «آب‌های خلیج فارس» بسیار ضروری بود و بر همین اساس، تشکیل کمیسیون مشترکی را از «نمایندگان نخست‌وزیری، وزارت امور خارجه، ستاد کل، نیروهای سه‌گانه و ژاندارمری» برای بررسی این موضوع پیشنهاد می‌داد آن هم در شرایطی که به‌دنبال آشوب‌های پس از انقلاب اسلامی، تنها در استان خوزستان، ۱۱۰ کیلومتر از نوار مرزی از واحدهای لشکر ۹۲ خالی شده بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۶۸). برای ارتش، «سوءنیت حکومت بعث عراق» نسبت به ایران «محرز» و «امری مسلم» بود، به‌ویژه که در ناآرامی‌های خردادماه ۱۳۵۸ ش. در خرمشهر نیز دست داشت. از این‌رو، اخبار رسیده دال بر قصد این کشور برای انجام «اقدامات خرابکارانه ... در تاسیسات نفتی ایران را ... یک خطر جدی» می‌دانست. پیشنهاد ارتش به‌طور مشخص عبارت بودند از: «کنترل تردد افراد غیرمجاز در نوار مرزی جنوب کشور» و «حفاظت شدید از منابع نفتی حیاتی» کشور (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۶۸).

در چنین شرایطی، تیرماه ۱۳۵۸ ش. ارتش برنامه تقویت پاسگاه‌های مرزی را در دستور کار قرار داد؛ از جمله مقرر شد لشکر ۹۲ زرهی خوزستان برای پشتیبانی از گروهان ژاندارمری هوپزه، یک گردان به این منطقه اعزام کند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۸۵). در سطوح عالی ارتش نیز با بررسی همه‌جانبه وضعیت نیروهای خودی، ارزیابی‌ها و پیشنهادهای تازه‌ای مطرح شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۹۱). در این راستا، ارتش «جلسه توجیه» برای نخست‌وزیر و دولت موقت تشکیل داد و آشکارا از «مذاکرات سیاسی بر سر کنترل مناطق کردنشین طرفین» و خودداری از پشتیبانی علنی از شیعیان عراق «به‌عنوان تنها راه «رفع خطر تهاجم» این کشور نام برد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۹۱).

ارتش به شایعات منتشر شده در عراق علیه ایران نیز توجه ویژه‌ای داشت؛ از جمله این شایعات، می‌توان به مواردی چون ورود گروه‌های مسلح از ایران به عراق برای «انجام عملیات خرابکارانه» اشاره کرد. ارتش در پشت این نوع اخبار، تلاش عراق برای توجیه «اعمال و رفتار غیردوستانه خود علیه دولت جمهوری اسلامی ایران» را می‌دید. از این‌رو، «انجام فعالیت‌های ضد جاسوسی و کنترل هرچه زودتر مرزهای دو کشور» را ضروری می‌دانست (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۰۵). با وجود این کنش‌های خصمانه، در تابستان ۱۳۵۸ ش. به‌نظر می‌رسید که روابط ایران و عراق «به‌طور نسبی» رو به بهبودی بود. این فرضیه ارتش به پیام‌های تبریک رد و بدل شده میان نخست‌وزیر دولت موقت و صدام حسین مستند بود که تیرماه ۱۳۵۸ ش. به‌جای احمد حسن البکر به ریاست جمهوری عراق رسید. صدام، حتی از مهدی بازرگان برای سفر به عراق نیز دعوت کرد. قلیل توجه است که چنین روزنه‌هایی برای بهبود روابط نیز از دید کارشناسان ارتش دور نمی‌ماند. به‌هر روی، ارتش برنامه تقویت مرزها را در حد مقدرات پیش می‌برد؛ برای نمونه، مردادماه ۱۳۵۸ ش. ارتش اقدام به اعزام از پرسنل تیپ ۲۳ نوهده به خرمشهر کرد و در همان حال، «دو فروند قایق» در اختیار گارد ساحلی ژاندارمری خرمشهر قرار داد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۱۷). با وجود این، حوادث سختی در راه بود؛ اواخر مردادماه ناآرامی‌ها در منطقه پاوه به اوج رسید و عراق نیز «بیا آگاهی قبلی از حوادث کنونی پاوه» در صدد برآمد با تقویت یگان‌های خود در منطقه، «آمادگی لازم را برای مقابله با هر نوع حوادث احتمالی» داشته باشد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۳۵۸: ۱۲۳). با توجه به آرایش جنگی عراق، ارتش به تعرض هواپیماهای ایرانی به حریم هوایی مقابل هشدار داد؛ زیرا خطر «انهدام یا فرود اجباری» آنها را در پی داشت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۲۵). البته، این امر بدان معنا نبود که ارتش مخالف عملیات نظامی در مناطق مرزی در صورت لزوم باشد، بلکه بر رعایت «جنبه‌های احتیاطی» تأکید داشت تا «دستاویزی» به عراق برای «مداخله در امور داخلی ایران» داده نشود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۲۵). در نهایت، با مداخله یگان‌های مختلف ارتش و نیز نیروهای داوطلب، آرامش به پاوه بازگشت و این بحران به پایان رسید.^۱

از سوی دیگر، مردادماه ۱۳۵۸ ش. ارتش بزرگ‌ترین مشکل دولت عراق را در ارتباط با ایران «تردد غیرمجاز افراد در نقاط مرزی» دو کشور اعلام کرد. این مسئله چنان اهمیت داشت که به باور ارتش، موفقیت عراق در سرکوب کردهای شورشی این کشور بدان وابسته بود. از نگاه تحلیل‌گران ارتش، مشکل

۱. برای اطلاع بیشتر از حوادث موسوم به غائله پاوه در مردادماه ۱۳۵۸، نک: جهانفر، رضا. (۱۴۰۰). *ارتش، اقتدار و امنیت: نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در تامین اقتدار دفاعی و امنیت ملی مبتنی بر اواصر، تدابیر و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا*. تهران: سوره سبز.

عراق تنها زمانی حل می‌شد که دو کشور «تصمیم قطعی در زمینه بستن مرزها» اتخاذ کنند؛ موضوعی که می‌توانست زمینه مساعدی برای همکاری طرفین باشد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۲۶). هرچند، در نهایت این فرصت نیز از دست رفت.

مشت آهنین: آغاز پاسخ به حملات عراق

حمایت بی‌سابقه رهبر فقید جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره)، از ارتش و پایان موفقیت‌آمیز بحران پاوه، نه تنها تا حد زیادی روحیه این نهاد مهم را تقویت کرد،^۱ که به منزله پایان صبر راهبردی ارتش در برابر عراق هم بود. از این پس، ارتش ضمن رصد تحرکات عراق و ادامه هشدارهای خود درباره خطر قریب‌الوقوع، به‌طور گسترده به‌پاسخ نظامی هم روی آورد؛ برای نمونه، اواخر شهریورماه ۱۳۵۸ ش. «از داخل کشور عراق» با سلاح سنگین به پاسگاه شوشمی در استان کرمانشاه حمله شد که مجروحیت چند ژاندارم ایرانی را به دنبال داشت. در گزارش‌ها اشاره‌ای به هویت مهاجمان این حمله وجود ندارد، اما ارتش دیگر در پاسخ متقابل تردید به خود راه نداد؛ به‌گونه‌ای که در این مأموریت انواع هلی‌کوپترهای جنگی را نیز به خدمت گرفت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۴۳). با وجود همه این مسایل، به نظر می‌رسد باب مذاکره و دیپلماسی میان ایران و عراق هنوز کامل مسدود نشده بود؛ برای نمونه، اوایل مهرماه ۱۳۵۸ ش. استاندار آذربایجان غربی پیشنهاد داد که «فرمانده لشکر ارومیه» نیز در مذاکرات او با مقامات عراقی حضور داشته باشد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۵۶). در مرزهای آبی هم برای مقابله با تحرکات عراق، نیروی دریایی ایران از سلسله مراتب بالاتر از خود درخواست کرد تا پروازهای شناسایی بر فراز بصره انجام شود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۹۲). با درک شرایط سخت و متشنج حاکم بر منطقه و استان خوزستان، ارتش گشت‌زنی هواپیماهای سی-۱۳۰ «به‌طور مداوم [و به مدت] سه ساعت در روز» بر فراز خلیج فارس را در دستور کار قرار داد تا تردها بهتر کنترل شوند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۱۹۳).

در دهه آخر آبان‌ماه ۱۳۵۸ ش. ژاندارمری کل کشور در گزارشی به ارتش به «نبود قدرت رزمی پاسگاه‌های مرزی ناحیه ژاندارمری خوزستان» برای مقابله با «حملات دشمن» اشاره کرد و خواستار اعزام دو گردان از لشکر ۹۲ خوزستان برای تقویت پاسگاه‌ها شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۳۵۸: ۱۹۶). این اقدام با اعزام تکاوران نیروی دریایی عملی شد. از سوی دیگر، برای مقابله با تعرضات مرزی عراق، رفته‌رفته یگان‌های بیشتری از ارتش به خدمت گرفته می‌شدند. به‌طور معمول، پایگاه هوایی

۱. سی‌ویکم شهریورماه ۱۳۵۸، امام خمینی (ره) این سخنان قاطعانه را درباره ارتش جمهوری اسلامی ایران بر زبان آورد: «جازه نمی‌دهم قدم یا قلمی علیه ارتش به کار رود». نک: روزنامه اطلاعات، اول شهریور ۱۳۵۸.

شهید نوژه در استان همدان، شاه‌رخی سابق مسئول اصلی مقابله با تهدیدات هوایی عراق بود، اما پایگاه‌های دیگر نیز به میدان مبارزه فراخوانده شدند؛ از جمله پایگاه هوایی تبریز که اوایل آذرماه ۱۳۵۸ ش. برای مقابله با تجاوز هواپیماهایی عراقی به آسمان پیرانشهر، دو فروند جنگنده خود را اعزام کرد؛ هرچند بدون نیاز به درگیری به پایگاه برگشتند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۲۰۵). به نیروی زمینی نیز دستور داده شد که در مقابل تجاوز عناصر عراقی، «عکس‌العمل قاطع» از خود نشان دهد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۲۱۱). در عین حال، از آنجاکه عراق گاهی به‌سوی کشتی‌های ایرانی در اروندرود و خلیج فارس تیراندازی می‌کرد، این نیرو موظف شد در این قبیل موارد اقدامات لازم را برای پشتیبانی از ژاندارمری هم انجام دهد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۲۱۴).

ارتش در عین حال در موارد مختلف سعی داشت تا حسن نیت خود را به طرف عراقی نشان دهد؛ برای نمونه، دی‌ماه ۱۳۵۸ ش. پس از آنکه چند سارق عراقی تعدادی گوسفند دزدیده‌شده را به داخل خاک ایران در منطقه قصرشیرین آوردند، ارتش مداخله کرد و به ژاندارمری دستور داد تا احشام را به مرزبانی عراق تحویل دهد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۲۴۳). در موردی دیگر، ارتش باز هم به چهار فروند هلی‌کوپتر عراقی اجازه داد تا ضمن استفاده از آسمان ایران برای عزیمت به‌سوی شوروی در تبریز سوخت‌گیری هم بکنند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۳۵۸: ۲۶۷).

دی‌ماه ۱۳۵۸ ش. خبر مهمی هم از وزارت خارجه به ارتش می‌رسد؛ بر مبنای این خبر، عراق قصد حمله به جزایر سه‌گانه خلیج فارس، ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، را داشت. وزارت امور خارجه حتی مدعی مشاهده «حرکت ناوچه‌های» عراقی به‌سوی جزایر هم بود. با توجه به اینکه پس از انقلاب اسلامی، عراق پیوسته خواهان تحویل جزایر مذکور به امارات عربی متحده می‌شد، در این مورد نیز ارتش، اقدامات احتیاطی لازم را اتخاذ کرد و به‌نیروی هوایی و دریایی دستور داد تا «با توجه به احتمال حمله عراق به جزایر سه‌گانه» آماده مقابله با هرگونه تجاوز مرزی این کشور باشند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۲۴۲).

بهمن‌ماه ۱۳۵۸ ش. و پس از یک‌سال آشفتگی، بالاخره کنترل مرزهای غربی با عراق در منطقه کرمانشاه سامان‌دهی شد. براساس مصوبه شورای تأمین استان کرمانشاه، مرزهای این استان با عراق به سه قسمت تقسیم شد؛ ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که هر یک مسئولیت کنترل یک بخش را برعهده گرفتند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۸: ۲۶۷). این اقدام، بسیار حیاتی بود و نقش مهمی در بازگشت آرامش به مرزها بازی کرد.

سال ۱۳۵۹ ش. در شرایطی آغاز شد که عراق از همان روزهای نخست، تیراندازی به پاسگاه‌های مرزی ایران، به‌ویژه در مرزهای غربی را کلید زد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۲). ارتش نیز

به‌طور کامل خویشتن‌داری را کنار گذاشته بود و به تجاوزات و حتی تردهای غیرقانونی اتباع عراق با آتش پاسخ می‌داد. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۳). حجم پاسخ ارتش گاه به‌حدی می‌رسید که حتی می‌توانست نقاط مرزی اشغال‌شده از سوی عراق را هم باز پس بگیرد؛ مانند اتفاقی که دهم فروردین‌ماه ۱۳۵۹ ش. برای پاسگاه مرزی هدایت در منطقه قصر شیرین رخ داد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۱). در کنار این موارد، کار «سازمان دادن» به پاسگاه‌های مرزی ادامه داشت؛ برای نمونه براساس تصمیمات اتخاذشده از سوی مقامات عالی‌رتبه کشور، مقرر شد نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پاسگاه‌های مرزی استان کرمانشاه و ایلام مستقر و «تأمین منطقه» از سوی ژاندارمری به‌عمل آید. در مرزهای جنوبی نیز برنامه تقویت پاسگاه‌ها با اعزام تعدادی «تکاور و غواص» از شیراز به‌خرمشهر دنبال می‌شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۴). با وجود شدت گرفتن برخوردهای مرزی، همچنان کورسویی از ارتباطات میان طرفین وجود داشت که بالقوه می‌توانست زمینه‌ای برای احیاء دیپلماسی باشد؛ برای نمونه، پس از شلیک یک گلوله خمپاره از سمت عراق به‌نواحی مرزی نوسود، از توابع استان کرمانشاه، مرزبان ایران به‌همتای خود اعتراض کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۲). درگیری‌های مسلحانه حتی میان «صیادان ایرانی و عراقی» هم در آب‌های مرزی، از جمله هورالعظیم رخ می‌داد؛ برخوردهایی که گاه تلفات هم به‌دنبال داشت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۳). در واقع، از فروردین‌ماه ۱۳۵۹ ش. ارتش هرلحظه آماده وقوع جنگ بود؛ زیرا «روابط سیاسی ایران و عراق از مرحله حداقل احترامات متقابل گذشته» بود؛ از این‌رو از مقامات عالی‌رتبه کشور خواست تا از آن پس به هواپیماها و هلی‌کوپترهای عراقی «اجازه پرواز بر فراز خاک ایران» برای عزیمت به‌نقاط دیگر، به‌ویژه شوروی، داده نشود. همان‌طور که عراق نیز چنان اجازه‌ای به ایران نمی‌داد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۳). در این شرایط بحرانی، ارتش از مسئولان کشور خواست تا هرچه سریع‌تر «بررسی‌های لازم» را انجام دهند و «آماده مقابله با تجاوز عراق» باشند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۳). در واکنش به‌بحران موجود، ارتش به‌نیروهای سه‌گانه خود اعلام آماده‌باش مرحله ۳-الف را داد؛ زیرا دیگر «امکان تجاوز به خاک ایران به‌صورت تهدیدات بالفعل» وجود داشت. این زمان، مصادف با حادثه سوءقصد نافرجام به طارق عزیز، از اعضای برجسته حزب بعث عراق در دانشگاه مستنصریه بود و صدام حسین با متهم کردن ایران به‌طراحی توطئه مذکور به گرفتن انتقام تهدید کرد.^۱

نکته در خور توجه در این میان، حساسیت ارتش برای حراست از جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در صورت وقوع حمله عراق بود. در این زمان، نیروی دریایی ارتش برنامه اجرای نخستین

۱. برای اطلاع بیشتر درباره حادثه دانشگاه مستنصریه، نک: پارسادوست، منوچهر. (۱۳۶۹). نقش عراق در شروع جنگ. تهران: شرکت سهامی انتشار.

رزمایش خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی را هم در دستور کار داشت. منطقه رزمایش از دهانه خلیج فارس تا دریای عمان بود و برای جلوگیری از دامن زدن به بحران، مقامات نیروی دریایی اجرای مانور در اروندرود و شمال خلیج فارس را به صلاح نمی دانستند، اما ستاد مشترک ارتش قاطعانه بر لزوم اجرای مانور در آب های مرزی با عراق تأکید و خاطر نشان کرد: «مانور واقعی نیروی دریایی آغاز شده است» (آجا، گزارش نوبه ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۷). از آنجا که تیراندازی های پراکنده میان پاسگاه های مرزی طرفین در جریان بود، ارتش به نیروهای ژاندارمری مستقر «در خط» هم دستور داد که «در صورت تجاوز یا اجرای آتش از طرف مقابل» موظف به مقابله مثل هستند و در صورت کوتاهی در انجام وظیفه، «مسئول» خواهند بود (آجا، گزارش نوبه ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۸). سنگین ترین درگیری ها در پاسگاه های باویسی و تيله کوه، از توابع قصر شیرین در استان کرمانشاه به وقوع پیوست؛ زیرا حملات زمینی عراق از پشتیبانی توپخانه و هلی کوپتر نیز برخوردار بود (آجا، گزارش نوبه ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۲۱). نیروی هوایی نیز موظف شد «تا اطلاع ثانوی» همه روزه پروازهای «شناسایی مسلح» بر فراز نوار مرزی قصر شیرین و خرمشهر انجام دهد (آجا، گزارش نوبه ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۲۰). از سوی دیگر، به این نیرو تکلیف شد تا با اتخاذ تدابیری، امکان شناسایی هواپیماهای متجاوز عراقی در شب یا روز را فراهم سازد (آجا، گزارش نوبه ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۲۱). این میزان جدیت ارتش و آمادگی برای پاسخ سخت، عراق را به عقب نشینی از مواضع خود وادار کرد و آرامش نسبی به نوار مرزی بازگشت.

اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ ش. با هدف هماهنگی میان یگان های مستقر در خرمشهر و آبادان، «یک مرکز عملیات تاکتیکی به نام اروندرود» در پایگاه دریایی خرمشهر نیز آغاز به کار کرد؛ نشانه دیگری از به روزرسانی برنامه های قدیمی ارتش برای مقابله تجاوزات عراق (آجا، گزارش نوبه ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۳۳). در دستور کار قرار گرفتن طرح های عملیاتی چون ابوذر و البرز را نیز در این راستا باید ارزیابی کرد؛ طرح هایی که از سال ها پیش با هدف مقابله با عراق عملیاتی شده بودند و حال روی میز قرار می گرفتند.^۱ در همان حال، ارتش پیش بینی های لازم را برای اجرای «پدافند هوایی» از سدهای خوزستان در برابر حملات هوایی عراق در دستور کار قرار داد (آجا، گزارش نوبه ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۳۳). در برنامه ای دیگر، دو هزار نفر از پرسنل نیروی هوایی مأمور به نیروی زمینی شدند تا دفاع از «فرودگاه های غرب کشور» به صورت بهتری انجام گیرد. نیروی دریایی نیز یک گردان «به استعداد هفتصد نفر» در اختیار نیروی زمینی گذاشت (آجا، گزارش نوبه ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۳۳). در این زمان، ارتش به چنان سطحی از اعتماد به نفس رسید که «هرگونه پرواز در مسیر اروندرود [را] ممنوع اعلام» و تأکید کرد در صورت مشاهده،

۱. برای یک نمونه از این طرح ها، نک: حسینی، سید یعقوب. (۱۳۸۷). طرح عملیاتی دفاعی ابوذر. تهران: هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی.

هوایمای مورد نظر «دشمن تلقی و سرنگون می‌گردد» (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۴۰، ۱۳۵۹/۱/۱۱). با وجود این، به نظر می‌رسد ارتش با وجود آمادگی کامل برای پاسخ در عمل باز هم خویشتن‌داری و از اقدام حاد خودداری می‌کرد. شاید در همین راستا بود که نیروی هوایی ایران یک فروند هوایمای عراقی را صرفاً وادار به فرود اجباری در خاک ایران کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۴۰، ۱۳۵۹/۱/۱۱). این هوایما از نوع ملخ‌دار و آموزشی بود و در منطقه سوسنگرد بر زمین نشست. با هدف بازگشت این هوایماها، مرزبان بصره خواستار ملاقات با همتای خود در خرمشهر شد. از قرار، هنوز باب مذاکره میان طرفین کامل بسته نشده بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۴۴). در نهایت، ایران حاضر به تحویل هوایما به عراق شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۴۹).

در خردادماه ۱۳۵۹ ش. نیز مانند ماه‌های قبل، عراق گاه و بیگاه به پاسگاه‌های مرزی، به‌ویژه در منطقه قصر شیرین حمله می‌کرد. در پاسخ به این مسئله، سوم خردادماه ۱۳۵۹ ش. ارتش بار دیگر به کلیه یگان‌های مرزی اعلام کرد که در صورت تیراندازی نیروهای عراقی به سوی پاسگاه‌های ایرانی نیروهای مستقر در مرز «بدون کسب اجازه از مرکز»، موظف به «تیراندازی متقابل» هستند تا جایی که سلاح‌های دشمن منهدم شوند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۶۳). ارتش شدت عمل خود را به تدریج بیشتر می‌کرد. پنجم خردادماه، نیروهای تیپ دوم لشکر ۹۲ اهواز، نه عراقی مشغول «کاوش» بین میله‌های مرزی در منطقه موسیان، ایلام، را بازداشت کردند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۶۶). البته، عراق نیز گاهی دست به چنین اقدامی می‌زد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۶۸) هرچند این نوع اتفاقات، عموماً از طریق مذاکره مرزبانان طرفین حل و فصل می‌شدند.

در این زمان، عراق به تجدیدنظر در برنامه‌های نظامی خود در نوار مرزی روی آورده بود. در برنامه جدید، به دنبال «طرح‌ریزی آتش پیوسته» در سرتاسر نوار مرزی بود. برای مقابله، ارتش صلاح را در این نمی‌دید که نیروی زمینی ابتدا به ساکن وارد میدان شود؛ زیرا مواضع آن از طرف دشمن شناسایی شده بود. بنابراین، مقرر شد نیروی زمینی به‌طور پیوسته مواضع خود را تغییر دهد و در همان حال، سلاح‌های خود را روی سلاح‌ها و مواضع دشمن نشانه رود تا با شلیک «اولین تیر» از سمت مقابل به «اجرای آتش سنگین» روی بیاورد. با این اقدام، «مانند گذشته» دشمن ناچار از عقب‌نشینی و ترک مواضع خود می‌شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۷۶). در ادامه برنامه‌ها برای دفع تهاجمات عراق به نواحی مرزی، ارتش به ناحیه ژاندارمری کرمانشاه دستور داد که هنگام دفاع در مقابل عراق چنانچه به پشتیبانی نیروهای ارتش نیاز داشته باشند، درخواست خود را به نزدیک‌ترین یگانی اعلام کنند که «تحت کنترل عملیاتی» آن است. با این روش، نیاز به رجوع به سلسله‌مراتب بالاتر نبود؛ بنابراین از «اتلاف وقت» در برخورد با مهاجمان جلوگیری می‌شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۷۸). ارتش، بار دیگر به یگان‌های خود

تأکید کرد که «با اجرای آتش متقابل» امکان موضع‌گیری و عملیات را از نیروهای عراقی بگیرند تا از بروز خسارت و تلفات به مناطق خودی گرفته شود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۷۸). عراق همچنان در این نقطه به عملیات گاه سنگین نیز دست می‌زد و راهبرد ارتش مانند قبل عبارت بود از: دستور مقاومت به پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری و درخواست از یگان‌های مختلف ارتش برای انجام پشتیبانی (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۷۸). در اواخر خردادماه ۱۳۵۹ ش. عملیات هوایی عراقی در نوار مرزی زیاد شده بود. این عملیات به‌طور عموم، جنبه‌ی تعرض به حریم هوایی ایران و ایدایی داشت. ارتش برای برخورد جدی‌تر با این تحرکات، آمادگی بیش از پیش نیروی هوایی را در دستور کار قرار داد. در یک مورد، پایگاه هوایی همدان موظف شد که سه شب پیاپی در آماده‌باش به‌سر ببرد تا به‌محض ورود هواپیماهای عراقی به مناطق کردنشین، «نسبت به جلوگیری از عملیات و فرار آنها اقدام نماید» (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۸۸). به‌هر روی، در پایان خردادماه ۱۳۵۹ ش. به‌نظر می‌رسید اقدامات دفاعی ارتش به‌طور نسبی آرامش را به‌مرزها بازگردانده بود. بیست‌وهشتم این ماه، جنگنده‌های ایرانی که سرگرم «گشت روزانه [در] نوار مرزی» بودند، گزارش دادند که در مرزهای منطقه غرب «به‌جز قوای گسترش یافته خودی، چیزی دیگری مشاهده نشد» (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۸۹). تأمل برانگیز است که تعرضات عراق در مناطق مرزی غرب کشور بسیار بیشتر از مرزهای جنوب غربی بود، اما در این زمان به‌بیان ارتش، «فعالیت‌های تجاوزی» یگان‌های عراقی مستقر در مرزهای غربی به‌طور محسوسی کاهش پیدا کرده بود؛ اگرچه عراق درصدد «تجدید سازمان و ... آرایش» دوباره نیروهای خود نیز بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۹۰).

در تیرماه ۱۳۵۹ ش. عراق گاهی به‌حریم هوایی ایران تجاوز می‌کرد، اما در همه موارد به‌دنبال آتش پدافند ایران، هواپیماها ناچار از بازگشت می‌شدند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۹۶). در این بازه زمانی، عراق به‌نیروهای نظامی خود ابلاغ کرد که «پلاک‌های هویت خود را به گردن بیاویزند». در تحلیل این خبر، ارتش احتمال می‌داد که عراق قصد حمله گسترده «به پاسگاه‌های مرزی ایران از قصر شیرین به [طرف] جنوب» را داشته باشد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۹۶). با وجود این، تحرکات عراق از حد «تجاوزات محدود زمینی» فراتر نرفت (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۳۵۹: ۹۹).

پس از یک دوره آرامش نسبی، پانزدهم و شانزدهم تیرماه ۱۳۵۹ ش. نیروهای عراقی شهر قصرشیرین و برخی از پاسگاه‌های مرزی تابعه آن را با «سلاح سنگین» مورد حمله قرار دادند. این حمله که با «تیراندازی شدید» همراه بود، خسارات قابل توجهی به‌بار آورد؛ اما با پاسخ مرزبانان ایران، مهاجمان ناچار از عقب‌نشینی شدند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۰۸). در این میان، هجدهم تیرماه ۱۳۵۹ ش. روزی مهم بود. گزارش‌های ارتش از این روز مملو از حملات عراق به مناطق مرزی

است. بیشتر یگان‌های ارتش و ژاندارمری در این روز درگیر مقابله با تهاجمات عراق بودند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۰۹، ۱۳۵۹/۴/۱۸). حتی، حملات هوایی عراق هم به نقاط مختلف نوار مرزی، به ویژه در مناطق کردنشین، بیشتر شده بود. تعرضات هوایی عراق حتی تا شهر ایلام هم رسیده بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۱۰). به نظر می‌رسد این حوادث با ماجرای بی‌ارتباط نباشد که بعدها به «کودتای نوژه» مشهور شد؛ زیرا بر اسناد و مدارک موجود، عراق وظیفه بر هم‌زدن تمرکز نیروهای نظامی و امنیتی ایران را برعهده داشت تا کودتاگران با حداقل مانع برنامه خود را پیش ببرند.^۱ به هر روی، عراق با استفاده از فرصت بر شدت و تعداد حملات خود به نواحی مرزی افزود، حملاتی که گاه تا سرپل ذهاب هم می‌رسید (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۱۴). درگیری ارتش با تبعات کودتای نافرجام نوژه به خوبی تأثیر خود را بر تحرکات عراق نشان می‌داد. دیگر روزی نبود که گزارشی از حملات گسترده عراق ثبت نشود. نقل و انتقالات وسیعی هم در یگان‌های عراق صورت می‌گرفت تا به تعبیر ارتش «یگان‌های در خط» تعویض شوند و حملات با نیروهای تازه‌نفس صورت گیرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۱۶). در مواردی ارتش عراق «آتش فریبده» اجرا می‌کرد تا دور از چشم مرزبانان ایرانی، گروه‌های خرابکار را به درون ایران نفوذ دهد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۱۶). با گسترش این نوع حوادث، ارتش معتقد بود که با توجه به افزایش تجاوزات زمینی و هوایی عراق، «احتمال درگیری‌های بیشتر در مرز بین ایران و عراق متصور است» (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۱۷). همان‌گونه که اواخر تیرماه ۱۳۵۹ ش. به دنبال رصد «تعداد زیادی پرواز مشکوک در قلمرو فضایی عراق» از سوی پایگاه هوایی دزفول، اقدامات احتیاطی در دستور کار نیروی هوایی قرار گرفت تا «هرگونه حمله احتمالی» خنثی شود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۲۰). عراق فقط به تجمع و تقویت نیروهای خود پشت مرزها اکتفا نمی‌کرد، بلکه پاسگاه‌های مرزی استان‌های کرمانشاه و ایلام را زیر آتش سنگین گرفته بود. قصر شیرین، نفت‌شهر و سومار از جمله شهرهایی بودند که در این حملات آسیب زیادی دیدند. در این میان، یک دغدغه ارتش هم «امکان ایجاد تخریبات در نقاط حساس» بر اثر حملات عراق بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۲۴). محور اصلی تعرضات هم نواحی مرزی کرمانشاه و ایلام بود؛ آسیب‌پذیرترین نقاط مرزی ایران. هرچند، آرامش بیشتری در مرزهای جنوبی حاکم بود، اما این مناطق هم به کلی از تنش خالی نبودند. اوایل مردادماه ۱۳۵۹ ش. عراق به روی یک واحد گشت مرزی ایران در خرمشهر آتش گشود، هرچند با پاسخ نیروهای ایرانی مواجه شد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۳۱: ۱۳۵۹). قابل توجه اینکه، یگان‌های عراقی با وجود «پیش‌روی تا خط مرزی»، از مرزها عبور

۱. برای اطلاع بیشتر از تأثیر حوادث موسوم به «کودتای نوژه» بر ارتش، نک: عسگری، شادب. ۱۳۹۸. قدر مطلق یک توطئه؛ کودتای نقاب به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نمی کردند و از همان داخل خاک خود به شلیک توپخانه و خمپاره و تیراندازی ادامه می دادند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۳۴). در منطقه خرمشهر، ناحیه ژاندارمری خوزستان از لشکر ۹۲ اهواز درخواست تقویت پاسگاه‌های مرزی و نیز «مین‌گذاری نوار مرز» به طول بیست کیلومتر را کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۴۱). در این مناطق، تعرضات هوایی عراق همیشه با آتش پدافند هوایی ایران روبه‌رو می‌شد و هواپیماهای عراقی ناچار بازگشت به کشور خود بودند.

با وجود فرارسیدن عید فطر در اواخر مردادماه ۱۳۵۹ ش. عراق مرخصی همه نیروهای نظامی در استان سلیمانیه را لغو کرد. به‌باور ارتش، این اقدام مقدمه‌ای بود بر به‌حال آماده‌باش کامل درآمدن ارتش عراق (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۴۳). حتی در این شرایط بحرانی هم هنوز گفت‌وگوها و مکاتباتی میان مرزبانان ایران و عراق رخ می‌داد؛ برای نمونه، سوم و هفتم مردادماه ۱۳۵۹ ش. قائم‌مقام فرماندهی مرزبانی عراق در نامه‌هایی رسمی، مراتب اعتراض خود را به‌پاره‌ای از تحرکات نیروهای مسلح ایران در نقاط مختلف نوار مرزی اعلام کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۴۹). از قرار، عراق همچنان مایل به حفظ باب گفت‌وگو با ایران بود. به‌هر روی، در آخرین روز از مردادماه ۱۳۵۹ ارتش به یگان‌های خود دستور داد که با توجه به احتمال «حمله محلی و محدود یا گسترده» در نوار مرزی، آمادگی لازم را برای اجرای «طرح‌های پدافندی» داشته باشند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۵۳). در این بازه زمانی، با توجه به احتمال حمله گسترده عراق، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درخواست کرد تا «نیروهای ذخیره ارتش» به خدمت احضار شوند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۵۴). از پاسخ ارتش نشانه‌ای در اسناد باقی مانده وجود ندارد، اما ارتش همچنان از یک سو درگیر اثرات منفی کشف کودتای نافرجام تیرماه و از سوی دیگر، ناچار از شرکت در جنگ با کردهای شورشی بود؛ از این رو در شرایطی به‌سر نمی‌برد که بتواند حتی تمام امکانات خود را برای مقابله با عراق به‌کار گیرد. در این شرایط، تجاوزات هواپیماهای عراقی به آسمان ایران به‌یک موضوع روزمره تبدیل شده بود، هرچند نیروی هوایی و یگان‌های پدافند هوایی در نقاط مختلف نوار مرزی این تعرضات را بدون پاسخ نمی‌گذاشتند.

از اواخر مردادماه ۱۳۵۹ ش. حرکت نیروهای ارتش عراق به سمت نوسود در نوار مرزی استان کرمانشاه آغاز شده بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۵۴). در این زمان، تقریباً بیشتر پاسگاه‌های مرزی ایران در استان کرمانشاه مورد تهاجم سنگین بود و ارتش در کنار ژاندارمری و سپاه مشغول دفع حملات بودند. با وجود این، ناآرامی در مناطق مرزی ایلام و خوزستان هنوز چندان شدید نبود. حتی در این روزها هم باب دیپلماسی باز بود. اوایل شهریورماه، یک فروند هواپیمای ایران با چهار نفر سرنشین وارد عراق شد، اما دولت عراق با وجود اعطای پناهندگی سیاسی به سرنشینان، اعلام کرد که خود هواپیما «قابل استرداد» است (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۵۹).

نیمه شهریورماه ۱۳۵۹ ش. ارتش با اشاره به افزایش روزه‌روز نیروهای دشمن در غرب کشور، بر لزوم «پاکسازی منطقه» تا قبل از فرارسیدن زمستان تاکید کرد، به‌ویژه که احتمال درگیری‌های بیشتر با عراق در غرب، و نیز جنوب را منتفی نمی‌دانست (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۶۳). ارتش چنان نسبت به حراست از خاک کشور حساس بود که وقتی یازدهم شهریورماه ۱۳۵۹ ش. خبر رسید که نیروهای عراقی در منطقه باویسی از توابع قصر شیرین حدود یک کیلومتر وارد خاک ایران شده بودند، برآشفتم و با تأکید بر اینکه این وضع «قابل تامل نیست»، به‌معاونت عملیات ستاد مشترک و نیز نیروی زمینی دستور داد تا هرچه زودتر برنامه عقب‌راندن دشمن را آغاز کنند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۶۴). ارتش به عملیات تدافعی خود همچنان ادامه می‌داد و در عموم این برنامه‌ها موفق هم بود؛ برای نمونه، سیزدهم شهریورماه ۱۳۵۹ ش. آتش شدید توپخانه ایران در منطقه قصر شیرین، توپخانه عراق را «خاموش» کرد یا در موردی دیگر، پاسگاه له‌گانه عراق، در مقابل قصر شیرین، «با خاک یکسان شد». این موفقیت‌ها ارتش عراق را به تعویض برخی فرماندهان یگان‌هایش ناچار کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۶۷). کار به جایی رسید که پانزدهم شهریورماه ۱۳۵۹ ش. ارتش از بازگشت آرامش نسبی به قصر شیرین خبر داد و در مرزهای دهلران و مهران نیز نیروهای عراقی به عقب‌نشینی ناچار شده بودند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۶۸). البته، این رخداد آرامش قبل از طوفان بود. مدت کوتاهی بعد، تقریباً همه پاسگاه‌های مرزی ایران از شمال استان کرمانشاه تا دهانه خلیج فارس، زیر آتش سنگین عراق قرار گرفتند؛ در این شرایط نیروی هوایی نیز تمام توان خود را برای پشتیبانی از مدافعان به کار می‌برد و روزانه ده‌ها سورتی پرواز داشت. (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۷۱). در دهه آخر شهریورماه ۱۳۵۹ ش. نوار مرزی خوزستان نیز به تدریج درگیر تهاجمات سازمان‌یافته و مستمر عراق شد، هرچند همچنان محور اصلی تعرض عراق هنوز در استان‌های کرمانشاه و ایلام بود (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۷۳). «شدت حملات و کمبود نیرو» موجب می‌شد که پاسگاه‌های مرزی و نیز ارتفاعات این مناطق یکی پس از دیگری سقوط کنند؛ برای نمونه فقط در یک مورد، «حدود یکصد دستگاه تانک» عراقی در حال پیش‌روی به سوی پاسگاه‌های مرزی انجیره و شور شیرین در استان ایلام بودند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، شماره ۱۷۴، ۱۳۵۹/۶/۲۱).

با وجود همه مشکلات، ارتش بیکار ننشست و مواضع نیروهای متمرکز شده دشمن را در مرز شلمچه مورد «حملات سنگین» قرار داد؛ به‌گونه‌ای که فرماندهان عراقی وضعیت نیروهای خود را در گزارش‌هایشان «بسیار خطرناک» توصیف و تقاضای پشتیبانی کردند (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۷۸). نیروی هوایی نیز در قالب پروازهای متعدد برای پشتیبانی از یگان‌های زمینی در هفته آخر شهریورماه بیش از «چهل تانک» عراق را منهدم کرد (آجا، گزارش نوبه‌ای عملیاتی، ۱۳۵۹: ۱۸۲). با

وجود این، مشکلات آنقدر زیاد بودند که در این مقطع و با وجود همه تلاش‌های ارتش در نهایت، تهاجم سراسری عراق آغاز شد. از این پس، دوره تازه‌ای آغاز شد؛ تلاش برای متوقف کردن پیش‌روی دشمن، بازیابی اعتماد به نفس و پشت سر گذاشتن ضربات دو ماه نخست جنگ که آغاز راهبرد تهاجمی ارتش را به دنبال داشت، البته موضوع مقاله‌های دیگری از نگارندگان است.



نتیجه‌گیری

چنانکه گفته شد، پیروزی انقلاب اسلامی و انبوه مشکلات ایجاد شده برای ارتش از سوی دشمنان داخلی و خارجی نیز، مانعی در راه انجام وظیفه مهم ارتش جمهوری اسلامی ایران در رصد تحرکات نیروهای مسلح عراق به وجود نیاورد. در کنار این مسئله و برخلاف باور رایج در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته درباره جنگ تحمیلی که بر غافل‌گیری ارتش جمهوری اسلامی ایران در برابر حمله سراسری عراق در سی‌ویکم شهریورماه ۱۳۵۹ ش. و در نتیجه نبود برنامه مقابله تأکید می‌کنند، با وجود بر هم خوردن توازن قوا به ضرر ایران، ارتش جمهوری اسلامی ایران از اواخر سال ۱۳۵۷ ش. هم‌زمان دو راهبرد را پیش برد؛ ارسال گزارش‌های متعدد برای سطوح تصمیم‌ساز کشور و تلاش برای اقناع آنها به شروع مذاکرات سیاسی با عراق با هدف حل و فصل اختلافات فی‌مابین بر محور دغدغه‌های امنیتی مشترک. تا اواخر مردادماه ۱۳۵۸ ش. - هم‌زمان با غائله پاره - این راهبرد در اولویت ارتش بود. ضمن آنکه از تقویت خود در حد مقدرات زمانه نیز غافل نبود.

پس از غائله پاره و مشخص شدن بیش از پیش نقش عراق در ناآرامی‌های غرب ایران ارتش جمهوری اسلامی ایران به راهبرد پاسخ نظامی روی آورد، هرچند همچنان تلاش می‌کرد تا باب دیپلماسی هم باز بماند. راهبرد دوم سبب شد که در مقطع آغاز تهاجم سراسری عراق در شهریورماه ۱۳۵۹ ش. و با وجود همه محدودیت‌ها، ارتش بتواند برای حراست از تمامیت ارضی کشور به‌نبرد ادامه دهد.

اسناد

ارتش جمهوری اسلامی ایران (آجا). اداره سوم (معاونت عملیات). گزارش‌های نوبه‌ای روزانه: ۵۹-۱۳۵۸ ش.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۹۹). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت. تهران: نشر نی.
- ایزدی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). عملکرد شوروی در جنگ تحمیلی. تهران: اطلاعات.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۶۹). نقش عراق در شروع جنگ. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پالیزبان، عزیزالله (۲۰۰۳). خاطرات سپهبد عزیزالله پالیزبان. لس آنجلس: مرکز کتاب نارنجستان.
- توکویل، الکسی دو (۱۴۰۰). انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- جهانفر، رضا (۱۴۰۰). ارتش، اقتدار و امنیت: نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در تأمین اقتدار دفاعی و امنیت ملی مینتی براو امر، تدابیر و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا. تهران: سوره سبز.
- حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۷). طرح عملیاتی دفاعی ابودر. تهران: هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صباد شیرازی.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۷). روش پژوهش در تاریخ‌شناسی. قم: لوگوس.
- حضرتی، حسن (۱۴۰۱). مورخان و امر قدسی. به کوشش فاطمه بختیاری. قم: لوگوس.
- سجادی پور، سید محمد کاظم و قهرمانپور، محمد علی (۱۴۰۲). برآوردهای اطلاعاتی ارتش جمهوری اسلامی ایران از تحركات نظامی عراق (۵۹ - ۱۳۵۷ ش.). فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۲۹-۴۸.
- سگری، شاداب (۱۳۹۸). قدر مطلق یک توطئه؛ کودتای نقاب به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علایی، حسین (۱۳۹۱). روند جنگ ایران و عراق. تهران: مرز و بوم.
- قربانی، مژگان (۱۴۰۱). کاربست روش تاریخی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل. مجله پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۷-۳۸.
- مردی، مهدی (۱۳۸۲). ارتش از دیدگاه امام خمینی (ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۶). انقلاب در بحران. تهران: دفتر نشر معارف اسلامی.

Transliteration

- Ahmadi, Hamid (2010). Ethnicity and Nationalism in Iran: Myth and Reality. Tehran: Ney Publishing House.
- Alaei, Hossein (2012). The Process of the Iran-Iraq War. Tehran: Border and Homeland.
- Askari, Shadab (2019). The Absolute Value of a Conspiracy; The Neqab Coup According to Documents. Tehran: Islamic Revolution Documents Center.
- Ghorbani, Mojgan (2018). Applying the historical method in international relations research. Journal of International Relations Research, 7-38.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar (2017). Revolution in Crisis. Tehran: Islamic Education

- Publishing House.
- Hazrati, Hassan (2018). *Historians and the Holy Order. With the Efforts of Fatemeh Bakhtiari*. Qom: Logūs.
- Hazrati, Hassan (2018). *Research Methodology in Historiography*. Qom: Logūs.
- Hosseini, Seyyed Yaqub (2008). *Abuzar Defense Operational Plan*. Tehran: Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shirazi War Education Committee.
- Islamic Republic of Iran Army (AJA). *Third Department (Deputy of Operations). Daily Shift Reports: 1979-1989*.
- Izadi, Nematollah (2013). *Soviet Performance in the Imposed War*. Tehran: Eṭelā'āt.
- Jahanfar, Reza (1979). *Army, Authority and Security: The Role of the Islamic Republic of Iran Army in Ensuring Defense Authority and National Security Based on the Orders, Measures and Guidelines of the Supreme Commander of the Armed Forces*. Tehran: Šūrat-e Sabz.
- Marandi, Mahdi (2003). *The Army from the Perspective of Imam Khomeini (RA)*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (RA).
- Palizban, Azizollah (2003). *Memoirs of Lieutenant General Azizollah Palizban*. Los Angeles: Narenjestan Book Center.
- Parsadoost, Manouchehr (2010). *Iraq's Role in the Beginning of the War*. Tehran: Publication Company.
- Sajjadpour, Seyyed Mohammad Kazem and Ghahramanpour, Mohammad Ali (2019). *The Islamic Republic of Iran Army's intelligence estimates of Iraq's military movements (1979-1980)*. *Scientific Quarterly of Holy Defense Studies*, 29-48.
- Tocqueville, Alexis de (1979). *L'Ancien Régime et la Révolution*. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Ṭalāṭ.